

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: اناهیتا اردوان
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۱۸ جون ۲۰۲۱



۱۷

به ادامه گذشته:

کلودیا جونز

«در روز تولد سی و هفت سالگی ام به مادرم فکر میکنم. مادرم، که یک کارگر کارخانه پوشاک بود و درست زمانی که در سن امروز من بود، درگذشت. درگذشت مادرم باعث شد که به رنج مردم و طبقه ام بیندیشم و راهی برای پایان رنج آنان بیابم»

مهمترین نگرانی «کلودیا جونز» استثمار زنان سیاهپوست بود. وی تبعیض جنسیتی را هم ردیف نگرش فاشیستی میدانست. کلودیا، زنان سیاهپوست آمریکایی را به مبارزه علیه سرمایه داری انحصاری، فاشیسم و جنگ تشویق میکرد و از آنان میخواست در مبارزه با دشمن مشترک، متحد شوند.



کلودیا در سال ۱۹۴۸، در دوره مک کارتیسم، به اتهام حرکت‌های خشونت‌آمیز، فعالیت‌های کمونیستی و نمایندگی جنبش برانداز، دستگیر و زندانی شد. بلافاصله، پس از رهایی از زندان، از آمریکا اخراج و به انگلیس فرستاده شد. سال ۱۹۵۶ در انگلیس اقامت گزید و با پیوستن به حزب کمونیست این کشور، مبارزه اش را همچنان ادامه داد. سال ۱۹۵۸، «وست اندین گزت»، اولین روزنامه متعلق به رنگین پوستان را بنیان نهاد و بسیاری اعتراضات علیه امپریالیسم، راسیسم و فاشیسم را سازماندهی کرد. کلودیا نخستین کارناوال «ناتینگ هیل» را با شعار «هنر مردم، پیدایش رهایی آنان است»، در سال ۱۹۵۹، سازماندهی کرد. این کارناوال برای نمایاندن توانمندی‌های مردم کاراییب بود که در آن دوران مورد توجه و اهمیت قرار نمی گرفت. متأسفانه کلودیا زنده نماند که دریابد کارناوالی که بنیان نهاد، امروزه یکی از بزرگترین فستیوال‌های خیابانی در اروپاست. کلودیا سراسر زندگی اش را وقف مبارزه علیه تبعیض جنسیتی، نژادی و طبقاتی کرد. سال ۱۹۶۴، در یک روز کریسمس در شهر لندن در و در گورستان «های گیت» لندن، در کنار کارل مارکس به خاک سپرده شد.

کیو جین

«کیو جین» در یکی از سروده هایش میگوید: «ما زنان برای رهایی مبارزه میکنیم و سطح آگاهی و جایگاه خود را ارتقا خواهیم داد.»

زنی شاعر، انقلابی و بهادر که در مسیر رهایی زنان و مبارزه جدی علیه امپراتوری منچو در چین، با اعدام از طریق جداکردن سر از تنش، جان باخت.



کیو جین، در سال ۱۸۷۵ در خانواده یی ثروتمند در کشور چین به دنیا آمد. اسب سواری و نبرد با شمشیر را به خوبی فراگرفت و به مطالعه کتاب نیز علاقه وافری داشت. خانواده کیو جین، تاکید داشتند که به مراحل عالی تحصیلی دست یابد. زمانی که فقط بیست و یک سال سن داشت با مردی علی رغم اختلاف سنی زیاد، ازدواج کرد. اما، شخصیت کیوجین با توجه به آرزوها و آمالی که در سر می پرورانید، در چارچوب تنگ سنت خانواده، نمی گنجید. بنابراین، به سرعت از همسرش جدا گشت. پس از جدایی، سال ۱۹۰۳، به کشور ژاپن سفر کرد و تحصیل را آغاز کرد. همزمان از حقوق زنان دفاع می کرد و بر اصلاح شرایط آموزشی زنان، تأکید فراوان داشت.

کیو جین جهت ارتقاء انگیزه مبارزاتی زنان به نوشتن مقالاتی که شخصیت و چهره زنان مبارز در تاریخ چین را برجسته می ساخت، مبادرت ورزید. در سال ۱۹۰۶ با روحیه یی قوی، تجاری غنی و مسلح به علم و دانش به کشور چین، بازگشت. روزنامه زنان را بنیان نهاد و طی نگارش مقالاتی آنانرا به تحصیل، کسب دانش، استقلال بویژه استقلال مالی و مشارکت در فعالیتهای اجتماعی دعوت و رهنمون، داد. علاوه بر این، از زنان می خواست که علیه تحقیر و استثمار خانواده و دولت، به نبرد برخیزند. او با بستن پای کودکان دختر از سن پنج سالگی بر اساس سنتهای عقب افتاده، شدیداً مخالفت می ورزید. این عمل منوط حتی امروزه برای کوچک و زیبا نگاه داشتن پای زنان در کشور چین، کماکان اجرا می شود. کیو جین، یکی از منتقدان حکومت امپراتوری منچو در چین بود و ساختار سیاسی حاکم را فاسد و تبهکار بشمار می آورد. لذا، همراه با پسر عموی خود به جنبش مخالفان دولت پیوست و با تشکیل هسته های انقلابی و زیرزمینی پیوسته به براندازی امپراتوری منچو در چین می اندیشید.



در ششم ژوئیه سال ۱۹۰۷، پسرعمو و هم‌رزمش، دفیقا پس از برنامه‌ریزی جهت یک شورش عظیم، دستگیر شد و تحت طاقت فرساترین شکنجه‌ها، به فعالیتهای مخفی علیه دولت، اعتراف کرد. و بی درنگ اعدام

گردید. کیو جین نیز، اندکی پس از اعدام پسرعمویش در دوازدهم ماه ژوئیه همان سال، در مدرسه دخترانه‌ی که در آن به عنوان مدیر به کار مشغول بود، توسط مأموران دولتی دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. شکنجه‌های وحشتناک و تهدید و رعب و وحشت در روحیه پهلادین مبارزاتی و انقلابی کیو جین اندک خللی وارد نساخت و برعکس، دشمن را درمانده ایستادگی و پایداری خود، ساخت. از اینرو، هرگز به مبارزه علیه نظام، اعتراف نکرد و اطلاعاتی در اختیار دشمنان، قرار نداد. در زندگینامه وی به زبان چینی آمده است: «تحت شدیدترین شکنجه‌های جنسی- روحی و فیزیکی قرار گرفت ولی لب به سخن نگشود و شکنجه‌گرانش را به خفت و زاری کشاند. سرانجام، توسط مزدوران امپراتوری منچو به شیوه جدا کردن سر از تن، اعدام گردید و جلودانه شد. قتل ددمنشانه کیو جین، او را به اسطوره مقاومت، در تاریخ مبارزات عدالت طلبانه مردم چین، مبدل ساخت».

ادامه دارد